

شان «آزادی» در منظومه فکری-سیاسی حضرت امام(ره)

مرز آزادی

علوم سیاسی

دکتر شریف لک‌زایی

استاد علوم سیاسی و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

حضرت امام(ره) در گفت‌وگویی که با محمد حسنین هیکل، روزنامه‌نگار مصری داشتند ضمن تحلیل تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، بر این نکته تأکید می‌کنند که ایران جزیره ثبات و آرامش است که همواره با اختناق همراه بوده است و همین اختناق، عامل انفجار جامعه ایرانی شد. بنابراین، حضرت امام(ره) در تحلیل شان از زمینه‌های بروز انقلاب بر مسأله اختناق در دوره پهلوی اول و دوم تأکید داشتند و «مطلبه آزادی» را عامل بسیج مردم، روحانیت و افشار مختلف قلمداد کردند. از این‌رو، عنصر «آزادی» یکی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌ها در اندیشه سیاسی حضرت امام(ره) است که مردم در جریان پیروزی انقلاب اسلامی آن را تمرین کردند. تأکید حضرت امام(ره) بر حضور مردم، همراهی و مشارکت آنان در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی هم، از یاب اهمیت مقوله آزادی در اندیشه ایشان است که مشارکت مردم را ضامن حفظ و حراست ارزش‌های انقلاب اسلامی می‌دانستند.

خوانشی فرادینی از آزادی

حضرت امام(ره) آزادی را امری بدیهی و حقی‌خدادادی و طبیعی برای مردم قلمداد می‌کردند و معتقد بودند

که انسان‌ها فطرتاً آزادند و کسی نمی‌تواند آنان را از این مهم محروم کند. ایشان در آثار و آرای خود بارها بر مفهوم آزادی تأکید کرده‌اند و معتقدند که آزادی یعنی افراد در عرصه‌های مختلف به لحاظ رفتاری، اعتقادی و بیانی امکان فعالیت و مشارکت داشته باشند و به لحاظ سیاسی بتوانند در تعیین سرنوشت خود مشارکت کنند. در اندیشه ایشان، جمهوری اسلامی بایستی زمینه‌های تحقق حداکثری آزادی را در عرصه‌های مختلف بویژه در عرصه مشارکت سیاسی فراهم آورد که البته به نظر می‌رسد این تحقق حداکثری از آزادی، در امروز و اکنون جامعه ما نیاز به کار و تلاش بیشتری دارد. بر این اساس، می‌توان گفت که خوانش امام(ره) از آزادی خوانشی فرادینی است.

تلفی فقهی و «فلسفی» از آزادی

خوانش امام(ره) از آزادی در بخش‌های «فلسفی» و در

بخش‌هایی که حدود آزادی را تعیین می‌کنند «فقهی» است. ایشان در تعریف خود از آزادی، بر حضور شهروندان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی تأکید داشتند. شاهد این مدعا، جمله معروف ایشان است که فرمودند: «میزان رأی ملت است.» حضرت امام(ره)، این نگاه مشارکت‌جویانه را برای مردم به رسمیت می‌شناسند و اساساً از عنصر آزادی و آزادی‌گرایی مردم به عنوان یکی از ارکان مهم انقلاب اسلامی حرف می‌زنند که می‌تواند بستری برای تحقق نقش‌آفرینی مردم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی باشد.

رابطه دین و آزادی

برخی گمان می‌کنند که دین، در مخالفت با آزادی است اما در اندیشه حضرت امام(ره) «دین» و «آزادی» همدیگر را تکمیل می‌کنند. حضرت امام(ره) در وهله نخست یک عالم دینی بود. از این‌رو، دفاع از آزادی و اهمیت و اولویت دادن به



آزادی در قانون اساسی در موارد متعددی به رسمیت شناخته شده است. طبیعتاً در جایی که حکومت دینی جریان دارد و مردم علائق و ارزش‌های دینی را دنبال می‌کنند، آزادی یک ضرورت و نشان‌دهنده مسیری است که جمهوری اسلامی باید طی کند و گفتارهای امام(ره) بویژه در ایام پیروزی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که ایشان معتقد بودند «دین» و «آزادی» در کنار هم می‌توانند یک مسیر درست را ترسیم کنند.

ضرورت تأسیس حکومت اسلامی از دیدگاه

بنیانگذار انقلاب اسلامی

تشکیل حکومت برای اقامه دین

فلسفه سیاسی

دکتر علیرضا پیروزمنند

استادیار مطالعات فرهنگی و مسئول مرکز تحقیقات بنیادین فرهنگستان علوم اسلامی

سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) بهانه‌ای برای پرداخت به اهم اندیشه‌ها و آرای ایشان است که بی‌شک چراغ راه جامعه محسوب می‌شود. در این گفتار کوشش می‌شود ضرورت تأسیس حکومت اسلامی از دیدگاه بنیانگذار انقلاب اسلامی به تأمل گذاشته شود. حضرت امام خمینی(ره) به ۶ دلیل اهتمام ویژه‌ای به تشکیل حکومت اسلامی داشتند:

۱. تشکیل حکومت برای دفاع

از دین مهم‌ترین دلایلی که باعث می‌شد حضرت امام(ره) به تأسیس حکومت اسلامی تأکید ورزند «دفاع از دین» بود. علمای اسلام در طول تاریخ، بویژه بعد از غیبت امام عصر(عج) همواره در جایگاه «دفاع از دین» ظاهر شده و در حفظ معارف اسلامی و انتقال میراث ائمه(ع) تلاش کردند، اما ویژگی‌ای که امام(ره) را از دیگر علما متمایز و ایشان را تاریخ‌ساز کرد، این بود که توانستند گام نوینی در دفاع از دین بردارند و آن «اقامه دین بر پایه حکومت اسلامی» بود.

۲. حکومت، بستری برای عملیاتی کردن احکام الهی

حضرت امام(ره) معتقد بودند بیش از نیمی از احکام معطوف به اجتماعیات است و عملیاتی کردن آنها جز از رهگذر برایی حکومت اسلامی میسر نیست. در دیدگاه ایشان، حکومت بستری برای هدایت انسان به سمت تعالی و سعادت است و انسان از رهگذر ساختار اجتماعی کسب می‌کند. از ضریب نفوذ بالایی برخوردار است.

سعادت است و آن هدایت، سعادت و کرامتی که انسان از رهگذر ساختار اجتماعی کسب می‌کند، طبیعتاً از ضریب نفوذ بالاتری برخوردار است. در مصاحبه‌ای که امام(ره) با یکی از روزنامه‌نگاران ایتالیایی در ۱۹ دی ۱۳۵۷ انجام دادند، عنوان می‌کنند: «در دنیای امروز که گفته می‌شود دنیای صنعت است، رهبران می‌خواهند جامعه بشری را ذیل یک کارخانه بزرگ صنعتی اداره کنند، در حالی که جوامع از انسان‌ها تشکیل شده‌اند که دارای بعد معنوی و روح عرفانی هستند. اسلام در کنار مقررات اجتماعی و اقتصادی به تربیت انسان براساس ایمان به خدا تکیه می‌کند. اگر ایمان به خدا و عمل برای خدا در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سایر شئون زندگی بشر مورد توجه واقع شود، پیچیده‌ترین مشکلات امروزی جهان به آسانی حل خواهد شد. امروزه دنیا هم در این بن‌بست گرفتار شده است.» بنابراین در نگاه ایشان اسلام آمده تا بعد معنوی و روح عرفانی انسان‌ها را شکوفا کند و این امر در بستری حکومت سریع‌تر و انبوه‌تر اتفاق می‌افتد.

۳. حکومت در زمان غیبت،

شعبه‌ای از ولایت حکومت مطلقه رسول‌الله(ص) است

حضرت امام(ره) در ۱۶ دی ۱۳۶۶ با پاسخ به رئیس‌جمهور

۴. حکومت، مقصد جامعه اسلامی است

در اندیشه امام(ره) «حکومت» مقصد جامعه اسلامی است که در آن باید پیشرفت و کرامت انسانی مورد توجه قرار بگیرد. ایشان در ۲۴ آبان ۱۳۵۷ در فرانسه در دیدار با دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور عنوان می‌کنند مردم در انقلاب اسلامی به دنبال تحقق سه اصل «استقلال»، «آزادی» و

آزادی در قانون اساسی در موارد متعددی به رسمیت شناخته شده است. طبیعتاً در جایی که حکومت دینی جریان دارد و مردم علائق و ارزش‌های دینی را دنبال می‌کنند، آزادی یک ضرورت و نشان‌دهنده مسیری است که جمهوری اسلامی باید طی کند و گفتارهای امام(ره) بویژه در ایام پیروزی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که ایشان معتقد بودند «دین» و «آزادی» در کنار هم می‌توانند یک مسیر درست را ترسیم کنند.

حد و حدود آزادی

گرچه شان «آزادی» در منظومه فکری-سیاسی حضرت امام(ره) بسیار بالا است و مردم را در این زمینه صاحب حق می‌دانند اما در این حال، دفاع از اسلام را در اولویت می‌گذارند و برای ترویج عمل به اسلام و آموزه‌های آن، تلاش و مبارزات بسیاری انجام می‌دهند. به این اعتبار، می‌توان گفت از نگاه حضرت امام(ره) اگر زمانی در نسبت بین دین و آزادی، آن نوع تلفی از آزادی برجسته شود که در تقابل با دین باشد و یا به آن لطمه‌ای وارد کند و روش‌های دینی را تحت‌الشعاع قرار دهد، چنین آزادی‌ای مطرود است و ایشان در این راستا، حدودی را برای آزادی ترسیم کرده‌اند و معتقدند که در جریان مطالبه آزادی، نباید خدشه‌ای به ارزش‌های اسلامی وارد شود.

فلسفه

دکتر سیداحمد غفاری قره‌باغ

استاد فلسفه و عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

امام خمینی(ره) فیلسوف شاخص و عارف تراز عصر کنونی ماست. ایشان استاد در کنار مطالعه فلسفه غرب و آگاهی از اندیشه‌های فیلسوفان غربی، عده‌ای از افراد توانمند و نخبه را مأمور کند تا در فلسفه و عرفان اسلامی نیز به تحقیق و مطالعه بپردازند. بویژه از آرا و اندیشه‌های ابونصر فارابی و ابوعلی سینا در حکمت مشاء و شیخ شهاب‌الدین سهروردی در حکمت اشراق و صدرالدین شیرازی در حکمت متعالیه آگاه شوند و سپس به وی توصیه می‌کنند که «اگر خواستید از مباحث این بزرگمرد [شیخ محی‌الدین ابن عربی] مطلع گردید، تنی چند از خبرگران تیزهوش خود را که در این‌گونه مسائل قویاً دست دارند، راهی قم گردانید، تا پس از چند سالی با توکل به خدا از عمق لطیف باریک‌ترز موی منازل معرفت آگاه گردند، که بدون این سفر آگاهی از آن امکان ندارد.»

امام خمینی(ره) در تاریخ ۳ اسفند ۱۳۶۷ (یعنی تقریباً ماه‌های پایانی عمر مبارکشان) در پیامی خطاب به عالمان دین و روحانیان که با عنوان «مشنشور روحانیت» مشهور شد، از دوران سیاه حاشیه بر مصباح الانس بین المعقول و المشهود» نوشته ابن‌فاری و «تفسیر سوره حمد» می‌توان با دقت‌های عمیق ایشان در مباحث عرفان نظری آشنا شد و با مراجعه به کتاب‌هایی مثل «شرح چهل حدیث»، «شرح جنود عقل و جهل»، «سز الصلاة»، «آداب الصلاة»، «جهاد اکبر یا مبارزه با نفس» و «نامه‌های عرفانی و اخلاقی» می‌توان به عمق عرفان عملی امام خمینی(ره) پی برد.

مفادات با تلفی برخی که گمان می‌کنند امام(ره) از میانه عمر خویش، مباحث حکمی را کنار گذاشت اما به استناد شواهد متعدد می‌توان گفت ایشان تا آخرین روزهای حیات، دل‌بسته حکمت اسلامی بود و آشنایی با رویکرد حکمی اسلام و تعمق و تفکر در آنها را برای آگاهی از حقایق اسلام، از ضروریات می‌دانست و بر این باور بود که بدون تعمق در فلسفه و عرفان اسلامی، امکان فهم عمیق حقایق اسلامی وجود ندارد. حتی در نامه‌ای که در تاریخ ۱۱ دی ۱۳۶۷ به رهبر وقت اتحاد جماهیر شوروی، میخائیل

چرا حضرت امام(ره) با وجود جایگاهی که برای «فلسفه» قائل

بودند آن را «حجاب اکبر» توصیف کردند؟

تکریم حکمت

کوزه را آب کشیدند، چرا که من فلسفه می‌گفتم. تردیدی ندارم اگر همین روند ادامه می‌یافت، وضع روحانیت و حوزه‌ها، وضع کلیساهای قرون وسطی می‌شد که خداوند بر مسلمین و روحانیت منت نهاد و کیان و مجد واقعی حوزه‌ها را حفظ نمود.»

برخی گمان کرده‌اند که ابزاری دانستن فلسفه و عرفان از سوی امام راحل و توصیف آنها به «حجاب اکبر» به معنای آن است که وی در پایان عمرشان به مخالفت با این علوم پرداخته‌اند! این محی‌الدین ابن عربی] مطلع گردید، تنی چند از خبرگران تیزهوش خود را که در این‌گونه مسائل قویاً دست دارند، راهی قم گردانید، تا پس از چند سالی با توکل به خدا از عمق لطیف باریک‌ترز موی منازل معرفت آگاه گردند، که بدون این سفر آگاهی از آن امکان ندارد.»

امام خمینی(ره) در تاریخ ۳ اسفند ۱۳۶۷ (یعنی تقریباً ماه‌های پایانی عمر مبارکشان) در پیامی خطاب به عالمان دین و روحانیان که با عنوان «مشنشور روحانیت» مشهور شد، از دوران سیاه حاشیه بر مصباح الانس بین المعقول و المشهود» نوشته ابن‌فاری و «تفسیر سوره حمد» می‌توان با دقت‌های عمیق ایشان در مباحث عرفان نظری آشنا شد و با مراجعه به کتاب‌هایی مثل «شرح چهل حدیث»، «شرح جنود عقل و جهل»، «سز الصلاة»، «آداب الصلاة»، «جهاد اکبر یا مبارزه با نفس» و «نامه‌های عرفانی و اخلاقی» می‌توان به عمق عرفان عملی امام خمینی(ره) پی برد.



برخی گمان می‌کنند امام(ره) از میانه عمر خویش، مباحث حکمی را کنار گذاشت. اما به استناد شواهد متعدد می‌توان گفت ایشان تا آخرین روزهای حیات، دل‌بسته حکمت اسلامی بودند و بر این باور بود که بدون تعمق در فلسفه و عرفان اسلامی، امکان فهم عمیق حقایق اسلامی وجود ندارد.